

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۱ مهر ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین بلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۲۱

تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، گلناز بینقی، محمدابراهیم تونندهجانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، سعید عزیزخانی، علی قهرمانزاده، امیر محمودیان
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، محسن اصغری، سید علیرضا علویان، فرهاد علی‌نژاد، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی، محمدحسین یگانه
جامعه‌شناسی	زینب آذری، امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، سید محمد مدنی دهنانی
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	ولی برجی، ابوالفضل تاجیک، محمد جهان‌بین، حسین رضایی، امیرحسین شکوری، اسماعیل علیپور، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته عربی، سید محمدعلی مرتضوی، معصومه ملکی، سیده محیا مؤمنی
تاریخ و جغرافیا	زهره دامپار، فاطمه سخایی، امیرحسین کاروین، جواد میریلوکی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	محمد آقاصالح، حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، فرهاد قاسمی‌نژاد، احمد منصوری، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	آفرین ساجدی، سارا شریفی، فاطمه صفری، مهدی ضیائی، زهره محمدی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	ویراستار (رتبه برتر کنکور)	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونندهجانی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، آروین حسینی	—	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	—	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	کوثر شاه‌حسینی	کوثر شاه‌حسینی	کیما اکبرزاده	آرش مرتضایی‌فر مهتاب شیرازی	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	محمد صمدی زاداسفندکهره	صبا صفایی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	رامتین کیانی	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	زهره دامپار	زهره دامپار	—	—	عطیه محلوجی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	علیرضا نصیری	فرهاد علی‌نژاد	کیانا یوسفزاده	زهره قموشی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	مرتضی عزیززی	رامیلا عسگری	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(اعداد رضا زاکر زاده)

طبق اصل ضرب داریم:

$$5 \times 4 \times 6 = 120$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲- گزینه «۳»

(آروین حسینی)

فرض کنید تعداد راه‌های بین دو شهر B و C، n تا باشد، از طرفی مجموع کل مسیرهای ممکن برای سفر از شهر A به D برابر ۷۱ است، پس:

$$\text{حالت اول: } A \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow D: 2 \times n \times 1 = 2n$$

$$\text{حالت دوم: } A \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow E \rightarrow D: 2 \times n \times 2 \times 3 = 12n$$

$$\text{حالت سوم: } A \rightarrow E \rightarrow D: 3 \times 3 = 9$$

$$\text{حالت چهارم: } A \rightarrow E \rightarrow C \rightarrow D: 3 \times 2 \times 1 = 6$$

حال طبق اصل جمع داریم:

$$2n + 12n + 9 + 6 = 71$$

$$\Rightarrow 14n + 15 = 71 \Rightarrow 14n = 56 \Rightarrow n = \frac{56}{14} = 4$$

بنابراین بین دو شهر B و C، ۴ راه وجود دارد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۳- گزینه «۳»

(امیر مضموریان)

بین حروف «الف» و «ب» ۲ حرف دیگر قرار می‌گیرد که ۳ حالت زیر ممکن است:

الف) بین «الف» و «ب» دو حرف «گ» قرار گیرد:

$$\begin{array}{|c|c|c|c|} \hline \text{الف} & \text{گ} & \text{گ} & \text{ب} \\ \hline \end{array} \quad \begin{array}{|c|c|} \hline \text{ری} & \text{ی} \\ \hline \end{array} \Rightarrow 2! \times 4! = 2 \times 24 = 48$$

۲!

ب) بین «الف» و «ب» دو حرف «ی» قرار گیرد:

$$\begin{array}{|c|c|c|c|} \hline \text{الف} & \text{ی} & \text{ی} & \text{ب} \\ \hline \end{array} \quad \begin{array}{|c|c|} \hline \text{رگ} & \text{گ} \\ \hline \end{array} \Rightarrow 2! \times 4! = 2 \times 24 = 48$$

۲!

ج) بین «الف» و «ب» حرف‌های «ل» و «ر» قرار گیرد:

$$\begin{array}{|c|c|c|c|} \hline \text{الف} & \text{ل} & \text{ر} & \text{ب} \\ \hline \end{array} \quad \begin{array}{|c|c|} \hline \text{ی} & \text{گ} \\ \hline \end{array} \Rightarrow 2! \times 2! \times 2! = 2 \times 2 \times 2 = 8$$

۲!

طبق اصل جمع کل تعداد کلمات با شروط مسئله برابر است با:

$$48 + 48 + 8 = 104$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۴- گزینه «۲»

(مهمیر میبری)

۴ تا رقم فرد و ۳ تا زوج داریم، پس برای یک در میان شدن آن‌ها باید با رقم فرد شروع کنیم:

$$\frac{4}{1} \times \frac{3}{2} \times \frac{3}{1} \times \frac{2}{2} \times \frac{2}{1} \times \frac{1}{1} \times \frac{1}{1} = 4! \times 3! = 144$$

فرد زوج فرد زوج فرد زوج فرد

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۵- گزینه «۱»

(علی قهرمان زاده)

$$(n^2 - 1)! = 6 \Rightarrow n^2 - 1 = 3$$

$$\Rightarrow n^2 = 4 \xrightarrow[\text{بفرض دلیل خواسته مسئله}]{n+1>0} n=2$$

$$\frac{(n+3)!}{(n+1)!} \xrightarrow{n=2} \frac{5!}{3!} = \frac{5 \times 4 \times 3!}{3!} = 20$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۶- گزینه «۲»

(مهمیر ابراهیم توزنده‌یانی)

یکان فقط رقم ۵ و اولین سمت چپ ۳ یا ۴ است، پس:

$$\frac{2}{\{4,3\}} \times \frac{3}{\{4,3\}} \times \frac{2}{\{4,3\}} \times \frac{1}{\{5\}} = 12$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۷- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

چون تعداد ارقام زوج و فرد یکسان است، ترتیب قرارگیری ارقام می‌تواند با زوج یا فرد شروع شود. در حالتی که با رقم فرد شروع شود، داریم:

$$3! \times 3! = 6 \times 6 = 36$$

اما در حالتی که با رقم زوج شروع شود، صفر نمی‌تواند اولین رقم سمت چپ باشد، بنابراین:

$$\frac{2}{\text{فرد زوج}} \times \frac{3}{\text{فرد زوج}} \times \frac{2}{\text{فرد زوج}} \times \frac{1}{\text{فرد زوج}} = 24$$

$$\xrightarrow{\text{اصل جمع}} 36 + 24 = 60$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۸- گزینه «۳»

(کلناز بینقی)

ابتدا دو خواسته سؤال رو به صورت جداگانه در نظر می‌گیریم:

$$t = 2! \text{ جایگشت } n \text{ و } t$$

زمانی که با p شروع نشود با سه حالت (o یا i یا nt) شروع می‌شود:

$$I _ _ nt = 3! \times 2! = 12$$

$$O _ _ nt = 3! \times 2! = 12$$

$$nt _ _ = 3! \times 2! = 12$$

$$\Rightarrow 12 + 12 + 12 = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۹- گزینه «۴»

(مهمیر بهیرایی)

چون نفر B بدون فاصله پشت سر C سخنرانی می‌کند، آن‌ها را یک بسته به صورت **CB** در نظر می‌گیریم.

تعداد جایگشت‌های این بسته و ۳ نفر دیگر برابر ۴! است.

$$4! = 24 \text{ در این } 24 \text{ حالت، در نصف حالات } A \text{ قبل از } D \text{ و در نصف دیگر}$$

حالات A بعد از D سخنرانی می‌کند. بنابراین تعداد حالات مطلوب برابر است با:

$$\frac{4!}{2} = \frac{24}{2} = 12$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۱۰- گزینه «۲»

(ممدابراهیم توزندهانی)

باید از بین ۲۰ کلید، ۳ کلید متمایز با ترتیبی مشخص فشار داده شوند، پس تعداد جایگشت‌ها برابر می‌شود با:

$$P(20,3) = \frac{20!}{(20-3)!} = \frac{20!}{17!} = 20 \times 19 \times 18 = 6840$$

با توجه به اینکه فشردن هر سه کلید ۲ ثانیه طول می‌کشد، پس زمان مورد نیاز برابر است با:

$$6840 \times 2 = 13680 \xrightarrow{+60} 228 \text{ دقیقه}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینه «۱»

(ممد عمیری)

حقوق معاون را a در نظر می‌گیریم:

$$\text{حقوق معلم} = \frac{2}{3}a$$

$$\text{حقوق آبدارچی} = \frac{2}{3}a + 2 = \frac{1}{3}a$$

$$2a + 5 \times \frac{2}{3}a + 2 \times \frac{1}{3}a = 72 \Rightarrow 2a + \frac{10}{3}a + \frac{2}{3}a = 72$$

$$2a + \frac{12a}{3} = 72$$

$$\Rightarrow 6a = 72 \Rightarrow a = \frac{72}{6} = 12$$

$$\Rightarrow \text{میلیون تومان} = \frac{1}{3}a = \frac{1}{3} \times 12 = 4$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۴)

۱۲- گزینه «۲»

(ممدابراهیم توزندهانی)

$$x^2 + \pi \left(\frac{x}{\sqrt{3\pi}}\right)^2 = x^2 + \frac{\pi}{3\pi} x^2 = 12$$

$$\Rightarrow \frac{4}{3}x^2 = 12 \Rightarrow x^2 = 9 \xrightarrow{x>0} x = 3$$

$$x = 3 \Rightarrow r = \frac{1}{\sqrt{3\pi}} x = \frac{3}{\sqrt{3\pi}}$$

می‌دانیم مساحت مستطیل برابر طول \times عرض است.

$$\text{طول مستطیل: } x = 3$$

$$\text{عرض مستطیل: } y = r = \frac{3}{\sqrt{3\pi}}$$

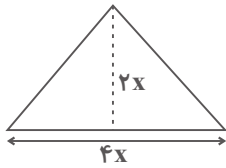
$$S = xy = 3 \left(\frac{3}{\sqrt{3\pi}}\right) = \frac{9}{\sqrt{3\pi}}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۵)

۱۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

فلش از یک مثلث و یک مربع تشکیل شده است، برای قسمت مثلث داریم:



$$\Rightarrow S = \left(\frac{1}{2}\right)(4x)(2x) = 4x^2$$

و برای قسمت مربع داریم:



$$2x \Rightarrow S = (2x)(2x) = 4x^2$$

در نتیجه مساحت کل فلش برابر $8x^2$ است و مساحت قسمت سفید

برابر $2400 - 8x^2$ است، حال هزینه‌ها را محاسبه می‌کنیم:

$$\left. \begin{aligned} \text{هزینه برجسب تیره رنگ} &= (30)(8x^2) = 240x^2 \\ \text{هزینه برجسب سفید} &= (10)(2400 - 8x^2) = 24000 - 80x^2 \end{aligned} \right\}$$

$$\xrightarrow{\text{هزینه کل}} 240x^2 + 24000 - 80x^2 = 28000$$

$$\Rightarrow 160x^2 = 4000 \Rightarrow x^2 = 25 \xrightarrow{x>0} x = 5 \text{ cm}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۲)

۱۴- گزینه «۴»

(آروین حسینی)

ابتدا دوطرف معادله را بر ضرب x^2 یعنی (۲) تقسیم می‌کنیم و عدد ثابت را به سمت راست منتقل می‌کنیم، تا معادله به شکل

$$x^2 - 3x = -\frac{3}{4} \text{ در آید، حال داریم:}$$

$$x^2 - 3x = -\frac{3}{4} \Rightarrow \left(x - \frac{3}{2}\right)^2 = \frac{3}{4} + \frac{9}{4} \Rightarrow \left(x - \frac{3}{2}\right)^2 = \frac{3}{4}$$

پس $m = \frac{3}{4}$ و $n = \frac{3}{4}$ است، با جایگذاری مقادیر m و n در معادله

مورد نظر، ریشه کوچکتر را حساب می‌کنیم:

$$2mx^2 + 6x - 12n = 0 \xrightarrow{m=\frac{3}{4}, n=\frac{3}{4}} 3x^2 + 6x - 9 = 0$$

$$\begin{aligned} \text{مقایسه با فرم استاندارد} \\ ax^2 + bx + c = 0 \end{aligned} \Rightarrow \begin{cases} a = 3 \\ b = 6 \\ c = -9 \end{cases} \Rightarrow a + b + c = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x_1 = 1 \\ x_2 = \frac{c}{a} = \frac{-9}{3} = -3 \end{cases}$$

پس ریشه کوچکتر معادله، -۳ است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۹ تا ۳۲)

۱۵- گزینه «۴»

(اعمرضا ذاکر زاده)

$$S_{\text{رنگی}} = (2x+1)^2 - \frac{2(x-1)}{2} = 4x^2 + 4x + 1 - x + 1$$

$$= 4x^2 + 3x + 2$$

$$4x^2 + 3x + 2 = 24 \Rightarrow 4x^2 + 3x - 22 = 0$$

$$\Delta = b^2 - 4ac = 9 - 4(4)(-22) = 361$$

$$x_1, x_2 = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} = \frac{-3 \pm 19}{8} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = 2 \\ x_2 = -\frac{11}{4} \end{cases} \text{ غ ق}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۱۶- گزینه «۱»

(کلناز بینقی)

تفاضل ریشه‌ها زمانی صفر می‌شود که معادله ریشه مضاعف داشته باشد، پس:

$$\Delta = 0 \text{ (ریشه مضاعف)}$$

$$m = 1, 2x^2 - (2 \times 1)x + 1 = 0, \Delta = (-2)^2 - 4 \times 2 \times 1 = -4$$

$$m = 2, 2x^2 - (2 \times 2)x + 2 = 0, \Delta = (-4)^2 - 4 \times 2 \times 2 = 0$$

$$m = 3, 2x^2 - (2 \times 3)x + 3 = 0, \Delta = (-6)^2 - 4 \times 2 \times 3 = 12$$

$$m = 4, 2x^2 - (2 \times 4)x + 4 = 0, \Delta = (-8)^2 - 4 \times 2 \times 4 = 32$$

$$m = 5, 2x^2 - (2 \times 5)x + 5 = 0, \Delta = (-10)^2 - 4 \times 2 \times 5 = 60$$

$$m = 6, 2x^2 - (2 \times 6)x + 6 = 0, \Delta = (-12)^2 - 4 \times 2 \times 6 = 96$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۱۷- گزینه «۳»

(معمربراهیم توزندهانی)

در این سؤال باید به علامت مجموع ریشه‌ها $S = \frac{-b}{a}$ و علامت ضرب

ریشه‌ها $P = \frac{c}{a}$ توجه کنیم.

$$S = \frac{-b}{a} = -5$$

$$P = \frac{c}{a} = -2$$

چون جمع و ضرب ریشه‌ها اعداد منفی هستند می‌توان نتیجه گرفت دو ریشه مختلف علامت داریم که ریشه منفی از نظر اندازه‌ای از ریشه مثبت، بزرگتر است به همین دلیل جمع ریشه‌ها منفی شده است، از طرفی $\beta > 0$ فرض شده، لذا $\alpha < 0$ است و $|\alpha| > |\beta|$ است لذا:

$$|2\alpha + \beta| = \text{عدد منفی} = -2\alpha - \beta$$

$$|\alpha| = \text{عدد منفی} = -\alpha$$

$$|2\beta| = \text{عدد مثبت} = 2\beta$$

در نتیجه:

$$-2\alpha - \beta + (-\alpha) - 2\beta = -3\alpha - 4\beta$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۱۸- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

مساحت قسمت‌های رنگی را از کل کم می‌کنیم:

$$x^2 = \text{مساحت مربع به ضلع } x$$

مساحت مثلث قائم‌الزاویه متساوی الساقین با ضلع $x\sqrt{2}$:

$$\Rightarrow \frac{(x\sqrt{2})(x\sqrt{2})}{2} = x^2$$

$$2x^2 = \text{مساحت مستطیل به طول } 2x \text{ و عرض } x$$

$$12 = 4x^2 \Rightarrow 4x^2 = 24 \Rightarrow 36 = 4x^2 \Rightarrow 24 = \text{رنگی - کل}$$

$$\Rightarrow x^2 = 3 \Rightarrow x = \sqrt{3}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۵)

۱۹- گزینه «۴»

(معمربراهیم توزندهانی)

ابتدا باید توجه کنیم که نقاط سربه‌سر در واقع همان ریشه‌های معادله $P(x) = 0$ (سود) هستند. از طرفی در یک معادله درجه دوم برای محاسبه

فاصله (قدرمطلق تفاضل) ۲ ریشه از رابطه $\frac{\sqrt{\Delta}}{|a|}$ می‌توان کمک گرفت.

$$P(x) = -\frac{1}{4}x^2 + 4x - 2 = 0$$

$$\frac{\sqrt{\Delta}}{|a|} = \frac{\sqrt{(4)^2 - 4(-\frac{1}{4})(-2)}}{|-\frac{1}{4}|} = \frac{\sqrt{12}}{\frac{1}{4}} = 4\sqrt{3}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۲۰- گزینه «۱»

(سعید عزیزقانی)

با استفاده از روش فاکتورگیری ابتدا معادله را تجزیه می‌کنیم، داریم:

$$\left(\frac{x}{3} - 1\right)^4 - 25\left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 = 0 \Rightarrow \left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 \left(\left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 - 25\right) = 0$$

$$\left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 = 0 \quad (1)$$

یا

$$\left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 - 25 = 0 \quad (2)$$

حال معادله‌های (۱) و (۲) را جداگانه حل می‌کنیم:

$$(1): \left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 = 0 \Rightarrow \frac{x}{3} - 1 = 0 \Rightarrow \frac{x}{3} = 1$$

$$\Rightarrow x = 3 \text{ (ریشه مضاعف)}$$

معادله (۲) از روش مربع کامل حل می‌کنیم:

$$\left(\frac{x}{3} - 1\right)^2 = 5^2$$

$$\Rightarrow \begin{cases} \frac{x}{3} - 1 = +5 \Rightarrow \frac{x}{3} = 6 \Rightarrow x = 18 \\ \frac{x}{3} - 1 = -5 \Rightarrow \frac{x}{3} = -4 \Rightarrow x = -12 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \text{مجموع ریشه‌های متمایز} = 3 + 18 - 12 = 9$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۲)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۲۱- گزینه «۴»

(شیوا نظری)

«داستان باستان» و «شمس‌الدین و قمر» داستان‌هایی به قلم میرزا حسن خان بدیع هستند که در دوره بیداری نوشته شدند.

«سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی» نوشته جیمز موریه است که میرزا حبیب اصفهانی این کتاب را ترجمه کرده است.

آثار علی‌اکبر دهخدا:

(۱) چرند و پرند: مجموعه نوشته‌های طنزآمیز سیاسی - اجتماعی او که در روزنامه «صور اسرافیل» منتشر می‌شد.

(۲) لغت‌نامه: مفصل‌ترین کتاب لغت زبان فارسی

(۳) امثال و حکم

دهخدا همچنین در استانبول روزنامه «سروش» را منتشر می‌کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۱)

۲۲- گزینه «۴»

(مجتبی فراهی)

چهار مورد نادرست است:

(الف) فن ترجمه از عوامل رشد آگاهی و تحول ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود و تحقیقات ادبی و تاریخی در این دوره رواج آن چنانی نداشت.

(ب) در سال‌های اول مشروطه، بیشتر نویسندگان مطالب خود را در قالب مقاله در روزنامه‌ها منتشر می‌کردند.

(ج) مجله «بهار» که نشریه‌ای ادبی محسوب می‌شد، در سال‌های مشروطه به وسیله میرزا یوسف‌خان اعتصامی آشتیانی منتشر شد.

(د) در عصر مشروطه بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های تاریخی بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۲۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

بررسی تناسب‌های معنایی مانند تضاد، ایهام و مراعات‌نظیر، در قلمرو ادبی قرار می‌گیرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

۲۴- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

در متن، به جز یکی دو مورد واژه عربی، واژگان عربی دیگری یافت نمی‌شود. سایر موارد درست هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

۲۵- گزینه «۳»

(هومن نمازی)

استفاده از زبان عامیانه و مثال‌های کوچک‌بازاری از ویژگی‌های نثر دهخدا است که در هر دو عبارت «ب و ج» دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۲۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

مفهوم گزینه «۱» غلبه قضا و قدر بر زندگی انسان‌هاست که مفهومی تعلیمی است در حالی که مفهوم سایر ابیات عاشقانه و غنایی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۱۶)

۲۷- گزینه «۳»

(فراهی علی‌نژاد)

ابیات از الهی‌نامه عطارد انتخاب شده‌اند که در کتاب درسی از منظر سبک‌شناسی تحلیل شده‌اند. واژگان غیرفارسی (از جمله عربی) در ابیات کم به کار رفته‌اند، اما واژگان کهن فارسی (مثلاً «دستان» به معنای حیل) در ابیات به کار رفته‌اند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در بیت دوم عبارت «جهان بر چشم او تیره شد» کنایه از احساس بدبختی کردن و بیچارگی است. در بیت چهارم نیز تشبیه مرکب دیده می‌شود: روبه از دام بجست، همچون کمان که از تیر می‌جهد.

گزینه «۲»: شاعر در قالب داستانی تمثیلی به بیان معنی موردنظر خود پرداخته است. ضمناً به روباه شخصیت بخشیده است.

گزینه «۴»: شاعر در پی بیان نکته‌ای عرفانی است مبنی بر اینکه «ارزش و جایگاه دل بسیار متعالی است»، چون جایگاه خداوند است. عطارد برای بیان این معنی از ظرف داستانی بهره برده است و بنابراین می‌توان شعر را ذیل ادبیات تعلیمی دسته‌بندی کرد. (البته این چیزی است که کتاب درسی گفته است، و گرنه با توجه به انواع ادبی شعر فارسی این شعر بیشتر عرفانی است تا تعلیمی).

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶)

۲۸- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

تضاد: «آمد» و «رفت»، تشبیه: «عرصه خیال»: تشبیه فشرده اضافی، جناس: «که» (مصراع اول): حرف اضافه و «که» (مصراع دوم) به معنی «چه کسی» است و با هم جناس تام می‌سازند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: فاقد جناس / تضاد: گل و خار، تشبیه: چو سرو اگر بخرامی: تشبیه گسترده

گزینه «۳»: فاقد تضاد / تشبیه: «بحر فنا»: تشبیه فشرده اضافی، جناس: «دان» و «دهان»: جناس افزایشی

گزینه «۴»: فاقد تشبیه و تضاد / جناس: «مست» و «دست»، «باده» و «داده»، هردو از نوع جناس اختلافی‌اند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۲۹- گزینه «۳»

(مجتبی فراهی)

تشبیه: پروانه‌وار - شمعی چون رخسار / مجاز: بیت، فاقد مجاز است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جناس ناقص حرکتی: گل و گل / تشبیه: شراب لعل‌فام (ادات تشبیه: فام)

گزینه «۲»: اغراق: مفهوم کلی بیت، شدت ناله را می‌رساند.

گزینه «۴»: تلمیح: اشاره به ماجرای حضرت موسی (ع) (که از خداوند خواست تا خودش را به او نشان دهد و تجلی قدرت خداوند بر کوه، موجب شکافته شدن و از هم پاشیدن کوه شد.) / تشخیص: رقص و چلاکی کوه

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۳۰- گزینه «۴»

(یاسین مهریان)

تشبیه: شاعر به صورت مضمون و تفضیلی، «چهره یار» را به «قمر» تشبیه کرده است. / واژه آرای: تکرار واژه «قمر»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاقد تشبیه / واژه آرای: تکرار واژه «دل»

گزینه «۲»: تشبیه: «ویرانه روح»: اضافه تشبیهی / فاقد واژه آرای («پری» در مصراع اول، به معنای «ببری» است؛ اما در مصراع دوم، در معنای «فرشته» به کار رفته است؛ بنابراین، با «جناس تام» روبه‌رو هستیم.)

گزینه «۳»: تشبیه: «روی چون ماه» / فاقد واژه آرای («زهره» در مصراع اول، به شکل «زهره» می‌باشد و در معنای «سیاره زهره» به کار رفته است؛ اما «زهره» در مصراع دوم، به شکل «زهره» می‌باشد و در معنای «جرات» به کار رفته است؛ بنابراین، با «جناس ناهمسان حرکتی» روبه‌رو هستیم.)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۱- گزینه «۲»

(هومن نمازی)

جناس تام ادعایی: دو لفظ که یکی معنای حقیقی و دیگری معنای مجازی داشته باشد.

بیت «الف»: بهشت مصراع اول: جنت، بهشت؛ بهشت مصراع دوم: نهادن، هشتن. فقط «دست» تکرار دارد.

بیت «ب»: نَفَس و نَفَس تکرار ندارند و «باد» اول و دوم نیز جناس تام ادعایی دارند.

بیت «ج»: «رهی» مصراع نخست یعنی راهی؛ ولی «رهی» مصراع دوم، یعنی «رها شوی».

بیت «د»: «ماهیان» اول جمع ماهی است؛ ولی «ماهیان» دوم بر زمان (ماه) دلالت دارد.

بیت «ه»: «گذشت» مصراع اول: تمام شد، «گذشت» مصراع دوم: عبور کردن (علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ تا ۲۸)

۳۲- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

گزینه «۱»: تکرار صامت «ب» در مصراع دوم، باعث باز و بسته شدن لب و تداعی کننده بوسیدن است؛ همچنین تکرار مصوت «ا» در مصراع اول، جلوه‌گر حیرت است.

گزینه «۲»: صامت «خ» یادآور خفگی است و از این حیث، تصویر این بیت را برجسته‌تر ساخته است.

گزینه «۳»: واج «م» و تکرار آن در این بیت و به‌ویژه مصراع دوم، گویا رضایت شاعر را بیان می‌دارد. (چیزی مانند آنچه امروز می‌گوییم: مممم یا Hmm در انگلیسی که از اصوات است).

گزینه «۴»: مطابق با صورت سؤال است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

۳۳- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

«غبار» تکرار ندارد و معنای استعاری غبار با معنای حقیقی آن، جناس تام ساخته است. «غبار» اول به معنای «گرد و غبار» و «غبار» دوم به معنای «غم» و اندوه به کار رفته است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ تا ۲۸)

۳۴- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا احمدی)

وزن بیت «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» است (وزن طرب‌انگیز) که با مفهوم غمگین بیت تناسب ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن بیت، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» و دارای تناسب با محتوای غمناک بیت

گزینه «۳»: وزن بیت، «فعولن فعولن فعولن فعل» و دارای تناسب با مفهوم حماسی بیت

گزینه «۴»: وزن بیت، «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن طرب و شادی) و متناسب با محتوای طرب‌انگیز بیت

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۳۵- گزینه «۱»

(یاسین مهریان)

در این گزینه، شاعر صحنه جنگ را با اغراق زیادی توصیف کرده است و این تخیل شاعرانه، باعث شده است که فضای حماسی بیت، غنی‌تر و تأثیرگذارتر شود.

در سایر گزینه‌ها، شاعر برای توصیف مضمون حماسی، از تخیلات بهره نبرفته است و سخن وی، مطابق با واقعیت است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: توصیفی است از به حرکت درآوردن اسب و به همراه داشتن پرچمی سیاه‌رنگ.

گزینه «۳»: توصیفی است از آماده کردن رخس و به صدا درآوردن شیپور جنگ.

گزینه «۴»: توصیفی است از وارد شدن به سپاه ایران و آسیب رساندن به لشکریان، به وسیله سلاح گرز.

(علوم و فنون ادبی، بدیع، ترکیبی)

۳۶- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

درونمایه غم و اندوه با توصیف فراق، متناسب با لحن سنگین و غم‌افزای آن انتخاب شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درونمایه غم و اندوه نامتناسب با لحن شاد و تند آن.

گزینه‌های «۲» و «۳»: درونمایه شاد و خوش‌باشی متناسب با لحن ضربی و تند آن.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۲۷- گزینه «۳»

(مبیتی فراهاری)

ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» دارای مضمون‌های پیچیده و تخیل‌های رمزآمیز هستند که همگی از ویژگی‌های شعر بیدل است؛ ولی بیت گزینه «۳» که سروده حافظ است، تخیل و پیچیدگی‌های گزینه‌های دیگر را ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

۲۸- گزینه «۴»

(فراهار علی‌نژاد)

در بیت «الف»، سعدی به معشوق (زمینی) خود می‌گوید من از وصال تو «سیر نخواهم شد»، اما در بیت «د»، مولانا از عشق آسمانی سخن می‌گوید و بنابراین اعلام می‌کند که «دیدۀ سیر است مرا». پس این دو بیت در تصویری که از عشق ارائه می‌دهند با هم تقابل معنایی دارند.

تشریح ابیات دیگر:

(ب) رودکی در این بیت می‌گوید: جهان همین است که هست و تا بوده همین‌طور بوده است. پس غمگینی معنایی ندارد.

(ج) شاعر می‌گوید نباید امروز، غم فردا را بخوریم و باید زندگی را به شادی و خوش‌باشی بگذرانیم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه‌های ۲۲، ۲۳، ۳۲ و ۳۳)

۲۹- گزینه «۳»

(مسن اصغری)

بیت «د»: بی‌اعتباری دنیا: خنده‌وار بودن گلستان (دنیا)

بیت «الف»: ترک تعلقات: پشت پا زدن بر دنیا

بیت «ج»: اختیارگرایی: سقف فلک (نماد تقدیر و سرنوشت) را شکافتن و طرح نو در انداختن

بیت «ب»: شکوه از بخت: ناسازگاری چرخ و دولت (بخت و اقبال) با شاعر

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۴۰- گزینه «۱»

(مهمربسین یکانه)

بیت صورت سؤال، مفهوم رضایت به قضای خداوند را مطرح می‌کند، در ابیات گزینه‌های ۲ تا ۴ هم شاعران به‌نوعی خشنودی و رضایت در برابر حق را مطرح کرده‌اند.

مفهوم بیت گزینه «۱»: در این بیت شاعر می‌گوید عقل ریاکار، فلسفه را اختراع کرده است که باعث خودپرستی انسان می‌شود، بنابراین نباید از بندگان انتظار رضایت به قضای حق را داشته باشیم.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۴)

جامعه‌شناسی (۳)

۴۱- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینین)

- هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد.

- انسان با تفکر و تعقل، از دیده‌ها و شنیده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۲ و ۳)

۴۲- گزینه «۳»

(کتاب‌آبی پیمان‌ای)

تمامی موارد با متن صورت سؤال مرتبط است به جز گزینه «۳»، زیرا اگر این آگاهی‌ها و شناخت‌های عمومی (دانش عمومی یا دانش حاصل از زندگی) وجود نداشته باشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرومی‌پاشد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۳)

۴۳- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- دانش عمومی را انسان در طول زندگی خود به‌دست می‌آورد.

- فردی که تنها بیرون از جامعه زندگی می‌کند، به سختی می‌تواند بر ذخیره دانش عمومی خود بیفزاید.

- فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش عمومی لازم را در اختیارمان قرار می‌دهد.

- دانش عمومی برای زندگی اجتماعی همچون هوا برای انسان است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۳ و ۴)

۴۴- گزینه «۱»

(فاطمه صغری)

دانش عمومی بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. ذخیره دانشی، بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی (علت) به‌دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، دانش علمی می‌گویند (پيامد).

کسی که دانش علمی دارد (علت)، به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند (پيامد).

جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود (علت)، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند (پيامد).

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۴۵- گزینه «۱»

(فاطمه صغری)

تشریح موارد نادرست:

(ب) تعارضات موجود در ذخیره دانشی یک جهان اجتماعی واحد، گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

(د) در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای موضوع بر روش علوم تأکید کردند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۶ و ۷)

جامعه‌شناسی (۱)

۴۶- گزینه «۴»

(سیرمقدم مدنی «بنانی»)

با توجه به مباحثه کنید صفحه ۸ کتاب درسی، رابطه دانش علمی و دانش عمومی رابطه‌ای متقابل است. آن دو بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

۴۷- گزینه «۱»

(زینب آذری)

تشریح موارد نادرست:

موضوع علوم اجتماعی: کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن
رویکرد روش‌گرا، روش علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی و حقوق و مردم‌شناسی و ...) را تجربی و روش علوم انسانی (روانشناسی و ...) را غیر تجربی قلمداد می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۱)

۴۸- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

شکل صحیح جدول:

علوم		
علوم طبیعی	علوم انسانی	علوم اجتماعی
فیزیک	روانشناسی	مردم‌شناسی
شیمی	اخلاق	تاریخ

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۲)

۴۹- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سینینی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: علوم اجتماعی، ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنان را دارند.

گزینه «۳»: علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع را از یکدیگر فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند، اما ظرفیت دآوری در این باره را ندارند.

گزینه «۴»: دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند و با کشف این قواعد تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی، هم از فرصت‌های آن‌ها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۳)

۵۰- گزینه «۲»

(امیرمهری افشار)

بررسی موارد نادرست:

- نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی از جمله فواید علوم اجتماعی است.

- علوم طبیعی را به دلیل این که ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، علوم ابزاری نیز می‌گویند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۵)

۵۱- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سینینی)

گزینه «۱»: صحیح - غلط. پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا نشود.

گزینه «۳»: غلط. پاسخ دادن به سلام فرد دیگری، پیامد ارادی وابسته به اراده دیگری است. - صحیح

گزینه «۴»: غلط. پاکیزه شدن سر و صورت پیامد غیرارادی وضو گرفتن است. - غلط. برخی پیامدهای کنش، به اراده افراد انسانی؛ یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است. به همین دلیل به آن‌ها «پیامدهای ارادی» می‌گویند. اما همه پیامدهای کنش این‌گونه نیستند؛ یعنی به اراده افراد انسانی بستگی ندارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۷)

۵۲- گزینه «۱»

(کتاب‌آبی پیمان‌های)

- ورود دانش آموزان به کلاس: کنش اجتماعی؛ کنش‌هایی که با توجه به دیگران انجام می‌دهیم، «کنش اجتماعی» خوانده می‌شود.

- زمین خوردن یکی از دانش‌آموزان که بدون صف و با عجله وارد کلاس شده بود: پیامد طبیعی کنش اجتماعی؛ کنش انسانی دارای پیامد طبیعی است که آن به اراده افراد انسانی وابستگی ندارد.

- خندیدن برخی از دانش‌آموزان به او: پیامد ارادی کنش اجتماعی؛ پیامدهای ارادی به اراده افراد انسانی که در این‌جا دانش‌آموزان دیگر است، وابستگی دارد.

- گوشزد کردن معلم در مورد عدم رعایت مقررات: جامعه‌پذیری؛ انتقال ارزش‌ها و هنجارها به افراد از طریق تعلیم و تربیت.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۷، ۱۱ و ۱۳)

۵۳- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است.

- پوشش و زبان نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۱۳)

۵۴- گزینه «۲»

(زینب آذری)

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند، ولی چه‌بسا در مواردی آن‌ها در مرکز قرار گرفته و رفع نیازها و تأمین سعادت بشر به حاشیه رانده می‌شوند. یعنی به جای اینکه این پدیده‌ها در خدمت سعادت بشر باشند، انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۵۵- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

- جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد.

- انسان‌ها برای رهایی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته‌بندی رو می‌آورند.

- هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

جامعه‌شناسی (۲)

روان‌شناسی

۵۶- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

دیدگاه اول: جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند. دیدگاه دوم: جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ آنها می‌دانند.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - درست

گزینه «۲»: درست - نادرست (مربوط به دیدگاه اول است).

گزینه «۳»: نادرست (مربوط به دیدگاه سوم است). - نادرست (در هر دو دیدگاه اول و دوم، جهان تکوینی محدود به طبیعت است).

گزینه «۴»: نادرست (مربوط به دیدگاه دوم است). - نادرست (مربوط به دیدگاه سوم است).

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۷ و ۸)

۵۷- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

۱- نادرست، مربوط به ویژگی معنویت است. - نادرست، مربوط به ویژگی آزادی است.

۲- درست - درست

۳- نادرست، مربوط به ویژگی عقلانیت است. - نادرست، مربوط به ویژگی عدالت است.

۴- درست. - نادرست، مربوط به ویژگی حقیقت است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۵۸- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سینتی)

امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۰)

۵۹- گزینه «۲»

(زینب آذری)

- قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند، با ضعیف شدن تدریجی گروه مهاجم می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد و اگر فرهنگ غنی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت بگیرد.

- فرهنگ غرب: اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام «فرهنگ غرب» می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت اشکال متفاوتی از سلطه را پدید آورده است.

- موفقیت‌های استعمار اروپاییان به دلیل پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود.

- استعمار اروپایی در سده ۱۷ و ۱۸ میلادی بزرگترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۶۰- گزینه «۱»

(سیرمهر مرنی دینانی)

- مردمی که برتری فرهنگی غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه آن می‌جویند.

- در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکار هستند اما در استعمار فرانو، هم مجریان و هم استعمارگران پنهان هستند.

- در استعمار نو استعمارگران با اتکا به قدرت اقتصادی خود، با استفاده از نهادهای سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۵)

۶۱- گزینه «۳»

(همیرضا توکلی)

شرط پذیرفته‌شدن فرضیه، این است که توسط مشاهدات و علمی که اکنون موجود است، مورد تأیید قرار بگیرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۲)

۶۲- گزینه «۳»

(مهسا عفتی)

جملات خبری و تا حد ممکن سنجیده‌ای که به مسائل علمی داده می‌شوند، فرضیه نام دارند. جملات پرسشی، واقعیات علمی، جملاتی که نشان‌دهنده شک و تردید هستند و ... نمی‌توانند یک فرضیه خردمندانه باشند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۲)

۶۳- گزینه «۳»

(همیرضا توکلی)

- شرط علمی بودن یک یافته، تکرارپذیری و تعریف عملیاتی است که وجود توصیف‌های یکسان که برداشت واحدی ایجاد می‌کنند، مبین آن است.
- هر آنچه قابلیت مشاهده تجربی داشته باشد، در دایره علم قرار می‌گیرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۱ و ۱۹)

۶۴- گزینه «۱»

(مهمربیبی)

علاوه بر مشاهده در محیط طبیعی، برخی از محققان در محیط آزمایشگاهی به مشاهده رفتارهای موردنظر می‌پردازند. آزمون‌ها ابزاری برای کمی کردن ویژگی‌های روان‌شناختی هستند. مصاحبه بر خلاف گفت‌وگوی معمولی، هدفمند و سازمان یافته است. پرسشنامه‌ها باید دقیق و معتبر باشند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۶۵- گزینه «۲»

(همیرضا توکلی)

فقط در گزینه «۲» هدف روان‌شناسی به درستی ذکر شده است. گزینه‌های «۱» و «۴» سعی در تبیین یا بیان دلیل دارند گزینه «۳» نیز توصیف کرده است نه تبیین.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۴)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۶۶- گزینه «۴»

(مهمربیبی)

در گزینه‌های «۱ تا ۳» شاعر به دلیل زیبایی‌های ظاهری و حسی دل به معشوق داده است که به این نوع پردازش، سبک پردازش ادراکی گفته می‌شود؛ اما در گزینه «۴» ادب و معرفت که ویژگی‌های کیفی هستند و با پردازش مفهومی به دست می‌آیند، ملاک دلدادگی هستند.

(روانشناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۲)

۶۷- گزینه «۳»

(موسا عفتی)

بررسی نظر دانش‌آموزان درباره رفتار معلمان به راحتی از طریق روش مشاهده قابل بررسی نمی‌باشد.

(روانشناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۷)

۶۸- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

در گزینه «۲» علل به‌وجود آمدن نظام باورهای افراد بیان شده که بیانگر مفهوم تبیین است.

(روانشناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۴)

۶۹- گزینه «۳»

(مهمربیبی)

شکل صحیح عبارت‌های غلط به این صورت است:

- منابع مختلف می‌توانند تکمیل‌کننده جنبه‌های مختلف آگاهی و معرفت باشند، نه اینکه لزوماً تکمیل‌کننده باشند.

- فرضیه‌ها پاسخ‌های اولیه و واحد ممکن سنجیده‌ای هستند که مبتنی بر دانش، تجربه قبلی و تخیل هستند.

- پس از توصیف و تبیین تا حد زیادی می‌توان به پیش‌بینی و کنترل رسید.

- روان‌شناسی در ابتدای مسیر از فلسفه، دین و تجربه استفاده می‌کرد و بعدها رویکرد علمی به خود گرفت.

(روانشناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۵)

۷۰- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

ویژگی‌های علوم تجربی عبارتند از:

۱- برای بررسی موضوع مورد مطالعه در آن‌ها از روش‌ها و ابزارهای دقیق و قابل اندازه‌گیری استفاده می‌شود.

۲- در این علوم با کمک مشاهده و سایر روش‌های دقیق، رابطه بین پدیده‌های طبیعی بررسی می‌شود.

(روانشناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۲)

۷۱- گزینه «۳»

(ابوالفضل تاهبک)

«بَتَفَكَّرُونَ»: می‌اندیشند (فعل مضارع؛ رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»: خلقت آسمان‌ها و زمین (رد گزینه ۴) / «رَبَّنَا»: پروردگارا، پروردگار ما / «مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»: این را بی‌پهلو نیافریدی (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

۷۲- گزینه «۴»

(ولی بربری - ابهر)

«لَا يَفْخِرُ الْعَاقِلُ»: «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع آمده است و آن را مجزوم کرده است. توجه داشته باشید علامت سکون هرگاه کنار «ال» قرار بگیرد، برای تلفظ بهتر به کسره تبدیل می‌شود. خردمند نباید افتخار کند (رد گزینه ۱) / «الْتَسَبُ»: خاندان، دودمان (کلمه «خود» اضافه است). (رد گزینه ۲) / «جَهْلًا»: از روی نادانی، نابخردانه، جاهلانه (رد گزینه ۲) / «العقل الثابت»: اندیشه استوار (رد گزینه ۳) / «يُحْسِنُ»: به نیکی انجامش می‌دهد، آن را به خوبی انجام می‌دهد (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۷۳- گزینه «۳»

(معمومه ملکی)

«تَرَاهُمْ»: (از فعل «تَرَى»، به صیغه مفرد مذکر مخاطب، و ضمیر متصل «هُم» در نقش مفعول تشکیل شده است). آنان را می‌بینی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «خَلِقُوا»: (فعل ماضی مجهول) آفریده شده‌اند / «عَظُمَ»: استخوان / «عَصَبَ»: پی (در گزینه‌های ۲ و ۴، «عَظُمَ» و «عَصَبَ» جابه‌جا ترجمه شده‌اند). / در گزینه «۴»، «چیزی» اضافی است.

(ترجمه)

۷۴- گزینه «۲»

(مسین رضایی)

«عَلَى الْجَمِيعِ التَّعَاوُنُ»: باید همگی (بر همه واجب است) همکاری کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «إِغْلَاقُ»: بستن (رد گزینه ۴) / «حَنْفِيَّةُ»: شیر (رد گزینه ۴) / «بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ»: پس از پایان ساعت کار مدرسه (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۷۵- گزینه «۲»

(اسان کلاته عربی)

«تَبْرِينُ»: می‌بینی (رد گزینه ۳) / «الشَّجَرَةُ الْخَضْرَاءُ ذَاتُ الْغُصُونِ النَّضْرَةِ»: درخت سبز دارای شاخه‌های تر و تازه (رد سایر گزینه‌ها) / «الشَّمْسُ الْآتِيَّةُ جَذُوتُهَا مُسْتَعْرَةٌ»: خورشیدی که پاره آتش آن (اخگر آن) فروزان است (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

نکته: گاهی اوقات فعل مضارع از صیغه للمخاطبة (مفرد مؤنث مخاطب) که به صورت «تَفْعَلِينَ» است، با فعل‌های جمع اشتباه می‌شود؛ باید مراقب باشیم چنین فعل‌هایی را اشتباه ترجمه نکنیم.

(ترجمه)

۷۶- گزینه «۳»

(امیر حسین شکوری)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «يَقْتُلُ»: (فعل مضارع است) می‌کشد

گزینه «۲»: «وَأَجِبْ عَلَيَّ جَمِيعَ مُوَاطِنِيْنَا»: بر همه شهروندان ما واجب است.

گزینه «۴»: «تَخْرُجُ»: (فعلی لازم از ریشه «خَرَجَ» است). بیرون می‌آید (خارج می‌شود)

(ترجمه)

۷۷- گزینه «۳»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«لم یکن ... یظن» ساختار ماضی استمراری منفی دارد و باید به صورت «گمان نمی کرد» ترجمه شود.

(ترجمه)

۷۸- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اسم اشاره «هذه» در جای درست خود به کار نرفته است، در این گزینه «المُجَدَّة» نیز صفت است و باید با موصوف خود مطابقت کند و به صورت جمع مؤنث بیاید.
گزینه «۲»: «هذه» نادرست است، برای اشاره به جمع‌های عاقل (انسان) باید «هؤلاء» به کار رود.

گزینه «۴»: فعل در ابتدای جمله و قبل از فاعلش، به صورت جمع آمده که نادرست است (فعل در اول جمله قبل از فاعل خود، به صیغه مفرد می‌آید)، در این گزینه ضمیر متصل «هن» نیز در جای درست خود به کار نرفته است. (ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

زبان‌شناسان دربارهٔ نخستین زبان در جهان اختلاف دارند، اما تأکید می‌کنند که از حدود ۱۰۰ هزار سال پیش از میلاد، زبان همراه ما است. دو زبان سومری و مصری قدیم از قدیمی‌ترین زبان‌های نوشته شده و ثبت شده هستند که تاریخ پیدایش آن‌ها به حدود سال ۳۲۰۰ پیش از میلاد برمی‌گردد، اما زبان قدیمی‌تری که تا به امروز موجود است، ترجیحاً زبان چینی است که برای بار اول، سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد ظهور یافت. زبان‌های قدیمی دیگری وجود دارد که از آن جمله، سانسکریت، تامیلی، عبری، عربی و... است. این‌ها، مثال‌های ساده‌ای از زبان‌های قدیمی است اما بدون شک، زبان‌های دیگری وجود دارد که گستردگی کمتر و قدمت بسیار بیشتری نسبت به این زبان‌ها دارند.

۷۹- گزینه «۴»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«انسان حدود ۳ هزار سال پیش از میلاد دانست که به زبان احتیاج دارد!» بر اساس متن، صحیح نیست، زیرا زبان از صدها هزار سال پیش از میلاد وجود داشته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: زبان عربی از زبان‌های قدیمی در دنیا به شمار می‌رود! (صحیح)
گزینه «۲»: انسان از قدیم، زبان را برای بیان افکار به کار گرفته است! (صحیح)

گزینه «۳»: زبان‌های قدیمی و مهمی وجود دارند بدون اینکه امروز چیزی از آن‌ها بدانیم! (صحیح)

(درک مطلب)

۸۰- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«کاربرد آن بعد از ظهور زبان مصری قدیمی شروع شده است!» در مورد زبان چینی صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: آن قدیمی‌ترین زبان بین زبان‌هایی است که امروز می‌شناسیم! (نادرست است، قدیمی‌ترین زبانی است که امروز هم استفاده می‌شود).

گزینه «۳»: امروزه زبان چینی قدیمی هرگز استفاده نمی‌شود! (نادرست است، در متن چنین چیزی بیان نشده است!)

گزینه «۴»: تاریخ ظهور آن به دو هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد! (نادرست است، ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد ظهور یافت!)

(درک مطلب)

۸۱- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

صورت سؤال، موضوعی را می‌خواهد که در متن نیامده است:

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نخستین زبانی که انسان بدان سخن گفت!

گزینه «۲»: گسترده‌ترین و متداول‌ترین زبان در جهان! (در متن اشاره‌ای به این موضوع نشده است!)

گزینه «۳»: زمان ظهور زبان‌ها در جهان!

گزینه «۴»: زبان‌هایی که از تاریخ پنهان شدند!

(درک مطلب)

۸۲- گزینه «۴»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«من الأعداد الترتیبیة» نادرست است؛ «ألف» (هزار) عدد اصلی (شمارشی) است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۸۳- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«مضالیه و...» نادرست است؛ دقت کنید «المرّة الأولى» (بار اول) یک ترکیب وصفی است؛ «المرّة» موصوف و «الأولی» صفت آن است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۸۴- گزینه «۱»

(افسان کلاته عربی)

«مسؤولون» نادرست است و باید به صورت «مسؤولون» بیاید؛ جمع‌های مذکر سالم، همیشه در آخر خود، علامت فتحه (ون، سین) دارند.

(ضبط حرکات)

۸۵- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

در این گزینه، دو جمله از نظر مفهوم، کاملاً با هم مخالف هستند؛ جمله اول می‌گوید: به آنچه که گفت، نگاه کن، و به کسی که گفت (گوینده) نگاه نکن، در صورتی که جمله دوم می‌گوید: هرگاه سخنی شنیدی، به گوینده‌اش نگاه کن!

(مفهوم)

۸۶- گزینه «۱»

(کنکور قارچ از کشور ۹۹، کتاب آبی پیمان‌ای)

صورت سؤال، اسمی را می‌خواهد که همزمان هم «مضاف» و هم «موصوف» باشد؛ یعنی همزمان هم «مضاف‌الیه» و هم «صفت» داشته باشد. در این گزینه، کلمه «قصیده» هم مضاف است و هم موصوف؛ «الشاعر» مضاف‌الیه آن و «الجمیلة» صفت آن است.

ترجمه: معلم قصیده‌زیبای شاعر، احمد شوقی را در کلاس با صدایی زیبا خواند!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «الأدویة» و «الطّیب» هر دو موصوف هستند، ولی هیچ‌کدام مضاف (دارای مضاف‌الیه) نیستند.

گزینه «۳»: «الإنسان» موصوف است، ولی مضاف (دارای مضاف‌الیه) نیست.

گزینه «۴»: «المرصّة» موصوف است، ولی مضاف (دارای مضاف‌الیه) نیست.

(قواعد اسم)

۸۷- گزینه «۳»

(سید ممدعلی مرتضوی)

صورت سؤال، فعل «تعرف» را می‌خواهد که از نظر صیغه، با بقیه متفاوت باشد:

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ترجمه: ای دانش‌آموز! معلم سختی‌هایی را که در زندگی تحمل کرده‌ای، می‌داند! فعل «تعرف» به «المُعَلِّمَة» برمی‌گردد و از صیغه مفرد مؤنث غایب است.

گزینه «۲»: ترجمه: زن باید خوبی‌ها را بشناسد و برای گستراندن آن‌ها در جامعه تلاش کند! فعل «تعرف» به «المرأة» برمی‌گردد و از صیغه مفرد مؤنث غایب است.

گزینه «۳»: ترجمه: (ای) برادر مهربانم! هنگام سختی‌ها، دوست وفادار را از دشمن می‌شناسی! فعل «تعرف» به «أخ» برمی‌گردد و از صیغه مفرد مذکر مخاطب است.

گزینه «۴»: ترجمه: ارزش وقت را هرکسی که تباهاش کرده و واقعاً زبان دیده است، می‌شناسد! فعل «تعرف» به فاعل فعل «قد ضیعت» برمی‌گردد و از صیغه مفرد مؤنث غایب است.

(قواعد فعل)

۸۸- گزینه «۲»

(مفهم هوان بین - قائنات)

ترجمه: در روز وسط هفته با ۱۳ نفر از همکلاسی‌هایم و مدیر مدرسه برای رفتن به سفری علمی سوار اتوبوس شدم و در روز چهارم سفرمان برگشتیم، سفر علمی با همکلاسی‌ها چقدر زیباست!

روز وسط هفته، سه‌شنبه (یوم الثلاثاء) است و روز چهارم سفر، یعنی روز بازگشت، روز جمعه (یوم الجمعة) است و تعداد کل افراد داخل اتوبوس، همراه با راننده ۱۶ نفر بوده است.

(عذر)

۸۹- گزینه «۴»

(مرتضی کاظم شیروردی)

معدود اعداد «۳ تا ۱۰» به صورت جمع می‌آید و در این گزینه، معدود «عشرة: ده» به درستی به صورت جمع آمده است (تلامید).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «إثنين فصلین» نادرست است (صحیح: فصلین الإثنين؛ معدود عدد یک و دو اصلی، قبل از خود عدد می‌آید!)

گزینه «۲»: «عشرون واجد» نادرست است (صحیح: واحد و عشرون؛ در اعداد دورقمی، اول یکان و سپس دهگان ذکر می‌شود!)

گزینه «۳»: «طالبات» نادرست است (صحیح: طالبة؛ معدود عدد هجده، مفرد می‌آید!)

(عذر)

۹۰- گزینه «۴»

(اسماعیل علیپور)

گزینه «۱»: $۳۷ = ۱۹ - ۵۶$ گزینه «۲»: $۹۴ = ۱۵ + ۷۹$ گزینه «۳»: $۱۶ = ۳ + ۴۸$ گزینه «۴»: $۸۳ = ۲۷ \times ۳$ (نادرست است؛ برابر با ۸۱ است.)

(عذر)

تاریخ (۳)

۹۱- گزینه «۲»

(هواد میربلوکی)

در دوره معاصر شکل جدیدی از تاریخ‌نگاری در ایران رواج یافت که از نظر بینش و روش با تاریخ‌نگاری سنتی متفاوت بود.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۳)

۹۲- گزینه «۳»

(هواد میربلوکی)

اساس کار تاریخ‌نگاری سنتی، غالباً بررسی زندگی پادشاهان و شرح فتوحات آنان بود؛ بنابراین گزینه «۳» اشتباه است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۶)

۹۳- گزینه «۳»

(زهرا دامیار)

انقلاب مشروطیت تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی و به ویژه نقش مردم جلب کرد. این بینش در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نوشته میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی پدیدار شده است. نویسنده این کتاب ضمن توجه به مردم، نقش طبقات اجتماعی مختلف را در انقلاب مشروطیت نشان داده است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۶)

۹۴- گزینه «۱»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سفرنامه‌ها، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره موضوع‌های اقتصادی مانند مالیات، گمرک و راه‌ها است.

گزینه «۳»: سفرنامه‌ها، در زمره کتاب‌ها از گونه‌های منابع تاریخی قرار دارند.

گزینه «۴»: نگارندگان خاطرات، عده زیادی از شخصیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی و یا مردم عادی می‌شدند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۷ تا ۹)

۹۵- گزینه «۴»

(زهرا دامیار)

به دلیل ماهیت استبدادی حکومت قاجار و نبود آزادی بیان، برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور اقدام به نشر روزنامه‌هایی به زبان فارسی کردند که نسخه‌هایی از آن‌ها به صورت مخفیانه به داخل ایران می‌رسید.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۱۲)

تاریخ (۱)

۹۶- گزینه «۳»

(زهرا دامیار)

واژه تاریخ در گزینه «۳»، در نوشته‌ها و زبان علمی به کار می‌رود و منظور از آن، علم و روش علمی است که به‌وسیله آن، رویدادهای گذشته براساس شواهد و مدارک، مطالعه و تحلیل می‌شوند.

در سایر گزینه‌ها، منظور از واژه تاریخ، مجموعه حوادث و رویدادهایی است که فرد یا جامعه از سر گذرانده است.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۲)

۹۷- گزینه «۴»

کنگور، فارغ از کشور ۱۳۰۰) برخی از وقایع نویسان به عنوان منشی در خدمت شاهان و حاکمان بودند. علاوه بر این، بعضی از مورخان درباری به اسناد و مدارک دولتی دسترسی داشتند و می‌توانستند از آن‌ها برای ثبت و نگارش رویدادها استفاده کنند. (تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۵)

۹۸- گزینه «۲»

(هواد میربلوکی) پایان‌نامه‌های تاریخی، جزء منابع دست دوم و مجموعه طاق بستان، جزء منابع دست اول محسوب می‌شود. (تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۹۹- گزینه «۴»

(هواد میربلوکی) کیسه در گاه‌شماری مصریان کاربرد داشت؛ نه ساسانیان. بنابراین گزینه «۴» نادرست است. (تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۱۳)

۱۰۰- گزینه «۱»

(امیرمسین کاروین) کشف و بازسازی دقیق آثار باستانی، مربوط به مرحله اول از کار باستان‌شناسان یعنی مرحله کشف و شناسایی است. (تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

تاریخ (۲)

۱۰۱- گزینه «۴»

(امیرمسین کاروین) انگیزه اصلی نویسندگان تاریخ‌های محلی، ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی، بیان ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی و نگارش زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر محلی بوده است. (تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۵)

۱۰۲- گزینه «۲»

(کنگور، سراسری نویت اول ۱۳۰۲) محمدبن جریر طبری، تاریخ عمومی خود را به سبک تاریخ‌نگاری روایی و روش سال‌شماری تألیف کرده است. مسعودی کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر را به سبک تاریخ‌نگاری تحلیلی و روش موضوع‌محوری تألیف کرده است. (تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۰۳- گزینه «۲»

(زهره دامیار) کتاب تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی در تاریخ غزنویان از مشهورترین تاریخ‌های سلسله‌ای است. این کتاب با روش تاریخ‌نگاری تحلیلی نگارش شده است. مورخ در روش تاریخ‌نگاری تحلیلی، با بررسی موشکافانه تمام اخبار و روایت‌های مربوط به یک رویداد و نقد آن‌ها، علل، آثار و پیامدهای آن واقعه را تحلیل و تفسیر می‌کند. (تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۶ و ۱۸)

۱۰۴- گزینه «۳»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(زهره دامیار) گزینه «۱»: روایت‌کننده می‌تواند خود مستقیماً شاهد وقوع رویدادی بوده و یا خبر آن را از دیگران نقل کرده باشد. گزینه «۲»: مقایسه و مطابقت با منابع و شواهد مانند کتاب‌های تاریخی و یا نوشته‌های دیگر و هم‌چنین مطابقت با نتایج تحقیقات باستان‌شناسی معیار مناسبی برای سنجش اعتبار اخبار تاریخی است. گزینه «۴»: «زمان و مکان دو رکن مهم یک رویداد تاریخی‌اند. خبر و روایتی که فاقد زمان و مکان دقیق و مشخص باشد، از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست. (تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۷)

۱۰۵- گزینه «۲»

(هواد میربلوکی) با توجه به خط زمان زندگانی رسول خدا (ص) در دوران پیش از بعثت در صفحه ۲۵ کتاب درسی تاریخ یازدهم، گزینه «۲» درست است. (تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۲۵)

جغرافیا (۳)

۱۰۶- گزینه «۲»

(فاطمه سفایی) منظور از مقر، مکان اصلی و دقیق یک سکونتگاه و محل استقرار آن روی زمین است. مقر هر روستا یا شهر، هم‌چنین هسته اولیه آن را شامل می‌شود. (جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲)

۱۰۷- گزینه «۱»

(زهره دامیار) مهم‌ترین ملاک تفاوت شهر و روستا فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها است. در اغلب سکونتگاه‌های روستایی، درصد بیشتری از جمعیت فعال در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند، اما در شهرها بیشتر مردم در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول به کارند. (جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۶)

۱۰۸- گزینه «۲»

(زهره دامیار) در رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها، در قاعده هرم و ردیف‌های پایین، سکونتگاه‌هایی با کمترین میزان جمعیت قرار می‌گیرند. با حرکت به سوی بالای هرم، جمعیت سکونتگاه‌ها بیشتر می‌شود و خدماتی که ارائه می‌دهند نیز بیشتر و متنوع‌تر است. (جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۷)

۱۰۹- گزینه «۳»

(زهره دامیار) شهرهایی که حوزه نفوذ گسترده‌تری دارند، آستانه جمعیتی نفوذ و دامنه نفوذ گسترده‌ای دارند. این شهرها در برخی عملکردها به روستاها و شهرها خدمات می‌دهند. (جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۹)

۱۱۰- گزینه «۴»

(فاطمه سفایی) منظور از اصطلاح شهرنشینی، افزایش نسبت جمعیت شهرهای یک کشور یا ناحیه به روستاهای آن است. (جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۰)

جغرافیای ایران

۱۱۱- گزینه «۱»

(کنکور قارج از کشور ۱۳۰۰)

جغرافیا آن قسمت از دانش بشری است که به انسان کمک می‌کند با ویژگی‌های طبیعی و انسانی و روابط بین آن‌ها در محیط آشنا شود و از آن‌ها در جهت «بهبود زندگی خویش استفاده کند». از آن‌جا که جغرافیا روابط متقابل انسان را با محیط، مطالعه و بررسی می‌کند، بنابراین شناخت توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی بدون دانش جغرافیا ممکن نیست؛ پس «جغرافیا علمی برای زندگی بهتر است».

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحه‌های ۲ و ۵)

۱۱۲- گزینه «۳»

(زهره دامپار)

متن صورت سؤال بیانگر مفهوم علم جغرافیای اقتصادی است. جغرافیا با کمک گرفتن از سایر علوم به سؤالات خود پاسخ می‌دهد.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحه‌های ۲ و ۳)

۱۱۳- گزینه «۳»

(زهره دامپار)

عملکرد انسان در ارتباط با محیط طبیعی دو گونه است:

(۱) درک توان‌ها و استفاده از منابع برای رفع نیازها

(۲) نگاه سودجویانه برای رسیدن به خواسته‌ها

عبارت صورت سؤال با مورد دوم در ارتباط است.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحه ۵)

۱۱۴- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

«در نواحی ساحلی (سؤال کجا؟) انسان (سؤال چه کسی یا چه کسانی؟) با اسکله‌سازی، دیواره‌سازی و احداث جاده روی جلگه‌ها، (سؤال چرا؟) تغییراتی ایجاد می‌کند. گسترش شهرها و روستاها باعث از بین رفتن اراضی کشاورزی و جنگلی و تغییرات وسیعی در نواحی ساحلی ایران (سؤال چه چیز؟) شده است.»

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحه ۸)

۱۱۵- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

در گام اول، طرح سؤال و بیان مسئله، پژوهشگر باید پژوهش دیگران را مورد بررسی قرار دهد؛ به عبارت دیگر، مطالعه سابقه، پیشینه مسئله و نتایج پژوهش دیگران، مورد نیاز پژوهشگر است. او با این کار نسبت به موضوع، اطلاعات بیشتری پیدا می‌کند و مهم‌تر از همه، پی می‌برد سؤالی که برایش پیش آمده قبلاً پاسخ داده شده است یا خیر.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

جغرافیا (۲)

۱۱۶- گزینه «۲»

(کنکور قارج از کشور ۱۳۰۰)

هر مکان در روی زمین ویژگی‌هایی دارد و میان اجزا و پدیده‌های آن ارتباط وجود دارد و نوع فعالیت و شیوه زندگی با محیط طبیعی در ارتباط است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

از ویژگی‌های ناحیه این است که میان هر واحد با واحد مجاور تفاوت وجود دارد.

ویژگی اصلی هر ناحیه، وحدت و همگونی نسبی میان عناصر طبیعی و انسانی است و تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافیایان بستگی دارد.

(جغرافیا (۲)، ناهیه چیست؟، صفحه ۳)

۱۱۷- گزینه «۴»

(فاطمه سفایی)

ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و براساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوه کار او صورت می‌گیرد. انتخاب معیارها و ملاک‌ها برای تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافی‌دان بستگی دارد. این معیارها ممکن است عوامل طبیعی یا عوامل انسانی باشد.

(جغرافیا (۲)، ناهیه چیست؟، صفحه ۵)

۱۱۸- گزینه «۲»

(زهره دامپار)

انسان‌ها با پیشرفت در دانش و تولید ابزار و فناوری بر محیط‌های طبیعی غلبه کرده و این محیط‌ها را در اختیار گرفته‌اند. محدودیت‌ها و موانع طبیعی موجب می‌شود انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن چاره‌اندیشی کنند و به ابداع ابزارهایی بپردازند. در واقع، هر ناحیه شرایط خاصی را به انسان‌ها ارائه می‌کند و انسان‌ها در چارچوب آن شرایط دست به عمل می‌زنند.

(جغرافیا (۲)، ناهیه چیست؟، صفحه‌های ۱۱ تا ۱۴)

۱۱۹- گزینه «۱»

(فاطمه سفایی)

هر ناحیه جغرافیایی دارای کانون یا مرکزی است که بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارند.

معمولاً هر چه از کانون یک ناحیه جغرافیایی دور می‌شویم و به طرف مرزهای آن حرکت می‌کنیم، به تدریج از عوامل همگونی آن ناحیه کاسته می‌شود و سرانجام، این عوامل ناپدید می‌گردند.

(جغرافیا (۲)، ناهیه چیست؟، صفحه ۱۵)

۱۲۰- گزینه «۴»

(زهره دامپار)

مرزهای سیاسی و اداری معمولاً بر مرزهای نواحی طبیعی و انسانی منطبق نیستند. مرزهای سیاسی و اداری بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شوند. در این مرزبندی، گاهی یک ناحیه آب‌وهوایی، ناحیه زبانی و قومی و نظایر آن بین چند استان یا حتی چند کشور قرار می‌گیرد.

(جغرافیا (۲)، ناهیه چیست؟، صفحه ۱۷)

فلسفه دوازدهم

۱۲۱- گزینه «۳»

(سبا یعفرزاده صابری)

همه ما به یاد می‌آوریم که از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراغ غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم، وقتی غمگین می‌شدیم و دلمان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلو می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف گردد.

تمامی این امور بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعا هست و می‌توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

پس آنچه که شک ما از واقعی بودن اشیاء پیرامونمان را برطرف می‌کند و نشانگر واقعی بودن آنها است همین استفاده از اشیاء مختلف در جهت رفع نیازهایمان می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این مورد نشانه شناخت نیست، بلکه صرفاً بیانی دیگر از همان مفهوم امکان شناخت است که صورت سؤال خواسته، نشانه‌ای برای آن پیدا کنیم.

گزینه «۲»: ما ابتدا باید شناخت را ممکن بدانیم تا سپس بخواهیم نسبتی میان دو تصور هستی و چیستی که از حقایق موجود در خارج انتزاع می‌شوند را تعیین کنیم.

گزینه «۴»: این که گفته شود به ماهیت همه اشیاء پیرامون جهل داریم نادرست است و بنابراین این گزینه نمی‌تواند درست باشد.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه ۲)

۱۲۲- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

اولین قدم در شناخت دو مفهوم وجود و ماهیت یا هستی و چیستی و درک نسبت میان آنها، این است که بفهمیم که در جهان پیرامون ما اشیاء و موجوداتی وجود دارند و ما می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم. پذیرش همین دو اصل به نفی تنهایی مطلق انسان خواهد انجامید و مترادف با آن می‌باشد؛ یعنی این که بپذیریم اشیایی خارج از ما وجود دارند و ما آنها را می‌شناسیم به این معنی است که در جهان تنها نیستیم.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این که ما دریابیم که اشیاء خارجی ماهیاتی دارند، دومین قدم از شناخت وجود و ماهیت است نه قدم اول.

گزینه «۲»: این گزینه در واقع بیانگر اصل مغایرت وجود و ماهیت می‌باشد که سومین قدم از این مسیر را تشکیل می‌دهد.

گزینه «۴»: درست است که ما می‌توانیم به اشیاء پیرامون خود علم پیدا کنیم، اما این موضوع بدین معنی نیست که ما می‌توانیم تمام ویژگی‌های آنها را بشناسیم و نباید چنین خلط شود که امکان حصول معرفت به این معناست که ما می‌توانیم از کنه و ذات و تمام ویژگی‌های اشیاء آگاه بشویم.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۲۳- گزینه «۱»

(مهمدرضا بقایی)

پرسش از چیستی با اشاره «این» و «آن»، حاکی از پی بردن به «وجود» یک شیء است و نشان می‌دهد که شخص پرسشگر می‌داند آن چیز موجود است، اما از ماهیت و چیستی آن آگاه نیست و این به نوعی اذعان به مغایرت وجود و ماهیت است. یعنی حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست. چون اگر وجود عین ماهیت بود امکان نداشت وجود شناخته‌شده باشد اما ماهیت ناشناخته بماند و مورد سؤال واقع شود.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه ۳)

۱۲۴- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

وجود و ماهیت اختلاف مفهومی دارند و اتحاد مصداقی.

وجود و ماهیت در ذهن و از جهت مفهوم با هم مغایرت دارند ولی در خارج با هم اتحاد دارند یعنی در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۲۵- گزینه «۴»

(سبا یعفرزاده صابری)

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. ابن‌سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ (رد گزینه‌های ۲ و ۳) آنگونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

همچنین وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف هستند که در واقعیت یک مصداق واحد دارند.

مدرس بودن و مادر بودن یک فرد نیز هر دو صفات جداگانه‌ای از اوست اما در عالم خارج هر دو صفت مربوط به یک شخص است

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه ۴)

۱۲۶- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

ابن‌سینا در اثبات مغایرت وجود و ماهیت چنین استدلال می‌کند:

مقدمه اول: اگر مفهومی عین یا جزء مفهومی دیگر باشد، حمل آن مفهوم بر آن مفهوم اولی بی‌نیاز از دلیل خواهد بود.

مقدمه دوم: حمل وجود بر ماهیت بی‌نیاز از دلیل نیست.

نتیجه: وجود عین یا جزء ماهیت نیست.

بنابراین گزینه «۳» جواب صحیح این تست خواهد بود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این چه باعث می‌شود که همه اشیاء یکی شوند، عینیت وجود و ماهیت است نه جزء بودن وجود و کل بودن ماهیت؛ همان‌طور که با وجود جزء بودن مفهوم حیوان و کل بودن انسان، هر حیوانی انسان نیست!

گزینه «۲»: این گزینه در واقع بیان خود مغایرت وجود و ماهیت هستند نه استدلالی در اثبات آن.

گزینه «۴»: این گزینه تنها یکی از مقدمات شیخ در اثبات این تغایر موجود میان هستی و چیستی است، نه استدلال کامل او.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه ۵)

۱۲۷- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

حمل کردن ذاتیات هر چیز بر آن چیز بی‌نیاز از دلیل خواهد بود؛ مثلاً این که مثلث سه ضلع دارد نیازی به دلیل ندارد و بی‌نیاز از آن است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: حمل وجود بر هر ماهیتی غیر ضروری و نیازمند دلیل است.
گزینه «۳»: حمل سه زاویه‌ای بودن بر مثلث با آن که نیازمند دلیل است اما ضروری می‌باشد. دلیل این که مثلث سه زاویه دارد این است که چون سه ضلع دارد.
گزینه «۴»: حمل زوج بر عدد چهار ضروری و نیازمند دلیل است.

(فلسفه (۲)، هستی و پیوستی، صفحه ۵)

۱۲۸- گزینه «۱»

(موسی سپاهی - سراوان)

مفاهیمی که سازنده و هویت بخش مفاهیم دیگر هستند را ذاتیات می‌گویند اگر چنین مفاهیمی بر ذات حمل شوند حمل اولی ذاتی شکل می‌گیرد و در حمل اولی ذاتی لزوماً نسبت میان محمول و موضوع تساوی نیست. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) و در حمل اولی ذاتی نیازی به دلیل آوردن نیست (رد گزینه ۲)

(فلسفه (۲)، هستی و پیوستی، صفحه ۵)

۱۲۹- گزینه «۲»

(امیر منصوری)

اگر مفهوم وجود جزئی از ماهیت باشد آنگاه: ۱- حمل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل نخواهد داشت و از نوع اولی ذاتی خواهد بود؛ ۲- تصور ماهیت برای موجود شدن شیء کافی بود و ۳- وجود از ماهیت قابل سلب و انفکاک نخواهد بود.

(فلسفه (۲)، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۳۰- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

آن چه در این جا مورد بحث است تغایر مفهومی وجود و ماهیت است نه این که در خارج دو مفهوم متغایر باشند و تمایز خارجی داشته باشند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تمایز هستی و چیستی یا همان وجود و ماهیت از جمله مباحث بسیار کلیدی و پایه‌ای در فلسفه اسلامی است که نتایج و اصول مهمی از آن استنباط و استخراج می‌شود.

گزینه «۲»: این مبحث به عنوان یکی از مقدمات ابن‌سینا در برهان خود که وجوب و امکان نام دارد به کار می‌رود.

گزینه «۳»: بحث تغایر وجود و ماهیت از ابداعات فلسفه اسلامی می‌باشد و به این شکل در فلسفه یونانی و آثار متفکرانی همچون ارسطو و پیروانش وجود ندارد.

(فلسفه (۲)، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

منطق

۱۳۱- گزینه «۱»

(سپا هفتر زاده صابری)

ابن‌سینا در دانشنامه علایی می‌گوید: علم منطق علم ترازوست و علم‌های دیگر، علم سود و زیان، و هر دانشی که به ترازو سنجیده نشود، یقین آور نباشد؛ پس چاره نیست از آموختن علم منطق.
منطق همچون ترازو محتوای سایر علوم را می‌سنجد و صدق و کذب و میزان یقین‌آوری آنان را مشخص می‌کند. پس منظور از ترازو همین کارکرد و هدف از به کار بردن علم منطق در سایر علوم است و این گفته ابن‌سینا به ابزاری بودن علم منطق اشاره دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: درست است که تأکید علم منطق بر شیوه درست اندیشیدن است اما این موضوع ارتباطی به کاربرد آن در سایر علوم ندارد.
گزینه «۳»: منطق به‌طور مستقل محتوای علوم را فراهم نمی‌کند؛ محتوای هر علمی در خود آن علم تولید می‌شود.
گزینه «۴»: هر چند دسته‌بندی و جلوگیری از خطای اندیشه از جمله وظایف منطق و منطق‌دانان است اما این مورد ارتباطی به جمله ابن‌سینا ندارد.

(منطق، سنجشگری در تفکر، صفحه ۱ تا ۵)

۱۳۲- گزینه «۱»

(فیروز نژادنیف)

قواعدی که در منطق از آن‌ها بحث می‌شود طبیعی و ذاتی ذهن است هستند و این بدین معناست که ذهن بدون دانستن نام آن‌ها قادر است از آن‌ها استفاده کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است تا از این طریق قادر به تشخیص خطاهای ذهن - که بی‌شمارند - باشیم.
گزینه «۳»: حیطة کاربرد منطق کل زندگی انسان است.
گزینه «۴»: استحکام فکر به رعایت کردن صورت آن است نه مواد به‌کارگرفته‌شده.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۴ و ۵)

۱۳۳- گزینه «۲»

(امیر منصوری)

نقش و وظیفه منطق فقط کاستن از مغالطات علوم نیست، بلکه اندیشه صحیح در تمام ساحات زندگی مدنظر علم منطق می‌باشد و در صدد آن است که مغالطات را از تمام افکار انسان بزدايد.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۱ تا ۵)

۱۳۴- گزینه «۳»

(سپه پعفرزاده صابری)

دانستن منطق، تنها برای ارزیابی اندیشه‌های فلسفی به کار نمی‌رود؛ بلکه هر یک از ما در سراسر زندگی خود بدان نیازمندیم؛ زیرا می‌خواهیم درست فکر کنیم و درست تصمیم‌گیری کنیم. (علت نیاز دائمی انسان به علم منطق تلاش برای درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن است.) با فراگیر شدن رسانه‌ها و حجم انبوه اطلاعات صحیح و غلط، بیش از پیش نیازمند علمی هستیم که شیوه‌های جلوگیری از خطای اندیشه را به ما آموزش دهد. دقت کنید که فراگیر شدن رسانه‌ها و حجم انبوه اطلاعات علتی برای نیاز ما به کارکرد سلبی علم منطق یعنی آموزش روش‌های جلوگیری از مغالطات است.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه ۵)

۱۳۵- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

در تصدیق ما میان دو مفهوم متمایز نیستی ایجاد می‌کنیم و این دو مفهوم را به یکدیگر ارتباط می‌دهیم. مثلاً در تصدیق «سقراط انسان است.» مفهوم «انسان» را به «سقراط» نسبت می‌دهیم و ارتباطی منطقی میان این دو مفهوم ایجاد می‌کنیم. حال این نسبت یا ارتباط یا حکم یا... می‌تواند از جنس ایجاب باشد یا از جنس سلب. تصدیق‌های ایجابی مانند همان مثال «سقراط انسان است.» و تصدیق‌های سلبی مانند «سقراط ایرانی نیست.»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: علاوه بر علم، جهل نیز به دو دسته جهل تصویری و جهل تصدیقی تقسیم می‌شود و اگر چیزی نه تصور باشد و نه تصدیق اساساً در حیث مفهوم نمی‌گنجد، چه علم باشد و چه جهل.

گزینه «۲»: برای مجهول بودن یک تصدیق، نیازی نیست که تمام تصورات به کار رفته در آن مجهول باشند؛ بلکه همین که نسبت میان این دو تصور مجهول و ناشناخته باشد برای مجهول بودن کل تصدیق کفایت می‌کند. مثلاً اگر کسی با تصورات «آسمان» و «آبی» آشنا باشد اما به نسبت میان آسمان و آبی علم نداشته باشد، تصدیق «آسمان آبی است» نزد او مجهول خواهد بود.

گزینه «۴»: فقط تصورات و تصدیق‌های مجهول به وسیله تعریف و استدلال معلوم می‌گردند. اما اینطور نیست که هر تصور یا تصدیقی نیاز به تعریف استدلال داشته باشد؛ تصورات و تصدیقات بدیهی از آوردن تعریف و استدلال بی‌نیازند. مانند تصویری که هر کس از «وجود» دارد یا صدق این تصدیق که «هر کلی از جزئش بزرگ‌تر است.»

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۷ تا ۱۰)

۱۳۶- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

ابتدا باید دریابیم که در بیت مطرح‌شده در صورت سؤال چند تصدیق به کار رفته است. اگر بخواهیم این بیت را به اسلوب متعارف گفتار فارسی برگردانیم، حاصل چنین خواهد بود: «غم و اندیشه هنگامی که تو نقطه‌میانش (مرکزش) باشی، حقیقتاً هرگز وارد آن دایره (دل) نمی‌شود.» بنابراین کل این بیت تنها یک تصدیق خواهد بود. حال با توجه به این مسئله باید به بررسی تمامی ابیات دیگر پردازیم.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این بیت تنها یک تصدیق موجود است و آن عبارت است از «دل‌بسته اندوه تعلق نتوان زیست.» بنابراین مانند بیت صورت سؤال تنها یک تصدیق خواهد داشت. عبارت «بیدل» که به صورتی ندا به کار رفته است، و همچنین جمله امری «دلت از هر چه شود تنگ برون آ» تصور هستند.

گزینه «۲»: در این بیت نیز یک تصدیق موجود است و آن «سوزهاست نهانی درون پیره‌نم» می‌باشد و مصراع اول یعنی «طراز پیره‌ن زرکشم مبین چون شمع» که یک جمله امری است و در نتیجه تصور خواهد بود.

گزینه «۳»: در این بیت نیز - همانند بیت صورت سؤال - تنها یک تصدیق موجود است و آن «با وجود تو کس نشوند ز من که منم» می‌باشد و اگر بخواهیم آن را به زبان معیار بازنویسی کنیم چنین جمله‌ای حاصل ما خواهد بود: «کسی با وجود تو شونده این که «من منم» ز من نیست.» و بنابراین تنها یک تصدیق می‌باشد. مصراع اول نیز از آنجایی که امری است تصور محسوب می‌شود.

گزینه «۴»: در این بیت سه تصدیق وجود دارد و آن‌ها عبارت‌اند از: «به قیاس در ننگی»، «به وصف در نیایی» و «من در اوصاف و جمال و حسن و زینت متحیر هستم.» و بنابراین همین گزینه جواب این تست خواهد بود.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۷ تا ۱۰)

۱۳۷- گزینه «۲»

(همیر سوریان)

در پاسخ به این سؤال که چرا منطق به دو بخش تقسیم شده است می‌توان مقدمات زیر را مطرح کرد:

۱. دانش انسان بر دو نوع تصور و تصدیق است.
۲. اندیشه انسان بر دو نوع تعریف و استدلال است.
۳. وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه است.

بنابراین می‌توان گفت که منطق بنا به وظیفه‌اش با فکر و اندیشه سر و کار دارد و فکر هم بر اساس هدفش که رسیدن به دانش است، متناسب با انواع دانش (تصور و تصدیق) به دو بخش تعریف و استدلال تقسیم می‌شود و بنابراین منطق هم دو بخشی است.

گزینه «۱»: منطق به دنبال مصون ماندن اندیشه از خطاست، نه دانش. اگرچه خطای دانش هم می‌تواند ناشی از خطای اندیشه باشد ولی چنین مطلبی برای توضیح چرایی دو بخش شدن منطق قطعاً دقیق نیست.

گزینه «۳»: دانش به معنای آگاهی‌های ذهن انسان، به تصور و تصدیق تقسیم می‌شود، نه دانش به معنای رشته‌های علمی مثل منطق.

گزینه «۴»: خطاها دو نوع تعریفی و استدلالی ندارند بلکه اندیشه به تعریف و استدلال تقسیم می‌شود و به این سبب، یک بخش منطق به قواعد تعریف و بخش دیگر به قواعد استدلال می‌پردازد.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۷ تا ۱۰)

۱۳۸- گزینه ۲»

(ممدراقصالح)

آنچه که قابل به کارگیری در استدلال است، تصدیق (قضیه) می باشد که باید حکم و قضاوت در آنان وجود داشته باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: این عبارت یک تصور است و در آن حکم وجود ندارد.
گزینه ۲: این گزینه از آنجایی که یک جمله خبری تام است، بنابراین تصدیق محسوب می شود و قابلیت به کارگیری در استدلال را دارد.
گزینه ۳: حکم و قضاوتی در این عبارت وجود ندارد.
گزینه ۴: جملاتی که با «ای کاش» و «افسوس» شروع می شوند قابلیت حکم و قضاوت ندارند.

(منطق، منطق ترازوی انریشه، صفحه ۷)

۱۳۹- گزینه ۴»

(هسین آقونوری راهنماهی)

از آنجایی که علم انسان منحصرأ به دو بخش تصور و تصدیق تقسیم می شود و هدف اندیشه رسیدن به علم و معرفت جدید است، بنابراین اندیشه نیز به دو بخش تعریف و استدلال تقسیم می شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: همه مفاهیم تعریف دقیق و مطلق ندارند مانند: عشق.
گزینه ۲: روشن کردن مفاهیم کار تعریف است.
گزینه ۳: یک سری از تصدیق ها ذاتاً روشن و واضح و پذیرفته شده اند و در نتیجه نیازی به استدلال ندارند؛ مانند: «اجتماع تقیضین امکان ندارد».

(منطق، منطق ترازوی انریشه، صفحه های ۷ تا ۱۰)

۱۴۰- گزینه ۴»

(فیروز نژادرف)

از آنجا که وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه است، علم منطق به دو بخش تعریف و استدلال تقسیم می شود؛ پس دسته بندی منطق بر اساس وظیفه آن صورت گرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تعریف یعنی استفاده از تصورات معلوم، نه امور معلوم.
گزینه ۲: برای آشنایی با دو حیطة اصلی منطق نیازمند توجه به تفاوت تصور و تصدیق هستیم.

گزینه ۳: تصورات هر علمی در خود آن علم تعریف می شوند نه در علم منطق.
(منطق، منطق ترازوی انریشه، صفحه ۷)

فلسفه یازدهم

۱۴۱- گزینه ۲»

(فیروز نژادرف)

ترتیب مراحل اندیشه ورزی بدین صورت است:
روبهرو شدن با مساله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ.
این ترتیب فقط در گزینه ۲ به درستی رعایت شده است.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه ۴)

۱۴۲- گزینه ۳»

(ممدراقصالح)

مراحل تفکر فلسفی:

۱- روبهرو شدن با مجهول های فلسفی (مواجهه با محبت یک مادر به فرزندش)
۲- طرح پرسش های فلسفی (آیا رابطه محبت آمیز صرفاً میان دو انسان است؟)
۳- رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته ها (توجه به محبت حیوانات به فرزندان خود)
۴- رسیدن به دریافت فلسفی (جهان براساس محبت آفریده شده است).

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه ۵)

۱۴۳- گزینه ۳»

(موسی سپاهی - سراوان)

تا زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و فقط به دنبال پاسخ آن هاست و کمتر به موضوعات و پرسش های بنیادین می پردازد، در مرحله اول تفکر قرار دارد که می توان آن را تفکر غیر فلسفی نامید.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه ۵)

۱۴۴- گزینه ۳»

(همیر سوریان)

سقراط که فرد دانشمندی بود خود را فیلسوف می نامید و چون فرد مشهوری بود، رفته رفته مردم کلمه فیلسوف را به معنای دانشمند به کار بردند زیرا شاخصه سقراط همین دانشمند بودن او بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: این ها دلایلی هستند که سقراط خود را سوفیست نمی نامید بلکه از واژه فیلسوف استفاده می کرد. اما این مطلب به خودی خود باعث تغییر معنا نمی شود زیرا سقراط ابتدائاً معنای اولیه فیلسوف (دوستدار دانایی) را مورد نظر داشت.

گزینه ۲: اینکه واژه سوفیست تغییر معنا داده، دلیل کافی برای اینکه واژه فیلسوف جای آن را گرفته است، نیست.

گزینه ۴: بر سر زبان ها افتادن یک واژه دلیل تغییر معنا دادن آن نیست.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه های ۷ و ۸)

۱۴۵- گزینه ۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

معنای اولیه سوفیست دانشمند بوده که به مرور زمان این معنای خود را از دست داد به گونه ای که اکنون معنای مغالطه کار به خود گرفته است. فیلسوفوس در ابتدا به معنای دوستدار دانایی بوده که به مرور زمان ارتقا معنایی یافته به معنی «دانشمند» که معنی اولیه «سوفیست» بود.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه های ۷ و ۸)

۱۴۶- گزینه ۴»

(علیرضا نصیری)

درست است که موضوع فلسفه «وجود بماهو وجود» یا «وجود از آن حیث که وجود است». می باشد اما این مطلب نافی این موضوع نیست که فلسفه احکامی در مورد امور محسوس نیز داشته باشد. فرضاً می توان به قاعده فلسفی «کل مادی حادث» اشاره کرد به این معنی که «هر چیز مادی حادث است». و این حکمی که در مورد موضوعی محسوس و حسی، یعنی ماده طرح شده است.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱: احکام فلسفه در عین حالی که کلی هستند اما به هر حال باید بر جزئیات نیز صدق بکنند. مثلاً زمانی که ما می گوئیم هر معلولی علتی دارد، با این که این حکم، حکمی عام و کلی است اما بر مصادیق جزئی آن نیز صدق می کند. مثلاً می توان از آن نتیجه گرفت که گرما معلول آتش است.

گزینه ۲: فلسفه از آنجایی که موضوعش «وجود» است باید به معدومات نیز از آن حیث که معدوم هستند، یعنی وجود ندارند، بپردازد و این منافاتی با موضوع آن ندارد و در واقع ذیل همان موضوع می گنجد.

گزینه ۳: اگر به تحلیلی دقیق تر از عبارت های «وجود بماهو وجود» و «موجود بماهو موجود» بپردازیم خواهیم دید که این دو مفهوم در اصل یکی هستند و تفاوتی نخواهند داشت. فلذا فلسفه در عین حال به هر دوی این موضوعات می پردازد چون یکی هستند.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه های ۸ تا ۱۱)

۱۴۷- گزینه «۱»

(مقدم، رضایی بقا)

فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی‌کند (رد گزینه «۲») بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد نه وجود مطلق که همان خداست. (رد گزینه «۳») فیلسوف درباره آن دسته از ویژگی‌های موجودات صحبت می‌کند که مربوط به هستی و موجودیت آن‌هاست. به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به شمار می‌آیند. از طرفی تنها روش فلسفه، استدلال عقلی و قیاسی است. (رد گزینه «۴»)

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۱۴۸- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)

تمايز و تفاوت علوم از یکدیگر، هم از لحاظ موضوع است و هم روش. یعنی به عنوان مثال ریاضی و فلسفه در روش باهم مشترک هستند ولی به لحاظ موضوع متفاوت‌اند.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۱۴۹- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

موضوع فلسفه «وجود» یا به عبارت دیگر «وجود بماهو وجود» یا «موجود بماهو موجود» است و بنابراین فلسفه به اصل و اساس جهان و انسان و همه موجودات از آن حیث که وجود دارند خواهد پرداخت. از آن جایی که این موضوع حکمی نیست که بخواهیم اساس پژوهش‌ها و بررسی‌های خود درباره آن را با تجربه و به کمک حواس و آزمایش پی بگیریم، در نتیجه روش آن نمی‌تواند تجربی باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: برگزیدن روش عقلی برای دانش فلسفه چیزی نیست که ترجیح فیلسوفان باشد، بلکه اقتضای موضوع فلسفه انتخاب این روش می‌باشد. گزینه «۳»: درست است که روش عقلی روش فلسفه است اما منحصر به آن نیست؛ ریاضیات و هندسه نیز از روش عقلی استفاده می‌کنند.

گزینه «۴»: روش فلسفی نمی‌تواند تجربی باشد اما تجربه می‌تواند بر صحت برخی احکام فلسفی را به نوبه خود تأیید کند. مثلاً علوم تجربی می‌توانند بسیاری از مصادیق علیت را در یابند و به این طریق بدان تأیید و تأکید کنند.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۱۵۰- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف)

فلسفه هم از جهت موضوع و روش با سایر علوم تفاوت دارد ولی موضوع بر روش تقدم دارد؛ چرا که این موضوع است که تعیین‌کننده روش مورد استفاده در یک علم می‌باشد. مثلاً اگر موضوع علمی طبیعت باشد روش آن نیز به تبع موضوعش باید تجربی باشد. حال که موضوع فلسفه بررسی اصل وجود و حقیقت جهان است روش آن باید عقلی باشد. فلسفه در موضوع با هیچ علمی مشترک نیست اما روش آن با ریاضی یکی است.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۰)

اقتصاد

۱۵۱- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

الف) بررسی قسمت «الف» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است؛ کارآفرین باید توانایی مالی لازم را برای راه‌اندازی کسب و کارش داشته باشد.

گزینه «۲»: صحیح است.

گزینه «۳»: نادرست است؛ عده خاصی از افراد می‌توانند یک کسب و کار جدید را راه‌اندازی کنند.

گزینه «۴»: صحیح است.

ب) پراکنجیه: نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

سازمان‌دهنده: منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.

ج) شما می‌توانید با صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری، مثل پرهیز از استخدام نیروی کار غیرلازم، یا صرفه‌جویی در مواد اولیه و انرژی یا جلوگیری از ریخت و پاش‌ها، هزینه تولید را بدون اینکه از میزان تولید کم کنید، کاهش دهید. از سوی دیگر می‌توانید برای محصولات خود، بازار خوبی فراهم کنید و کالاهایتان را با قیمت مناسب بفروشید و از این طریق درآمادتان را افزایش دهید.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۵، ۶ و ۹)

۱۵۲- گزینه «۲»

(فارج از کشور تیرماه ۱۳۰۲)

میلیون تومان $720 = 60 \times 12$ = اجاره سالیانه باغ

میلیون تومان $3,600 = 12 \times 12 \times (75 \times \frac{1}{3})$ = حقوق سالیانه مجموع کارگران

میلیون تومان 75 = اجاره وسایل و ابزار مورد نیاز

میلیون تومان 40 = خرید سم و کود مناسب

میلیون تومان 20 = کرایه حمل و نقل محصول

میلیون تومان $1,440 = 120 \times 12$ = حقوق سالیانه باغدار و مهندس

$720 + 3,600 + 75 + 40 + 20 + 1,440$ = مجموع هزینه‌های سالیانه

میلیون تومان $5,895$ =

میلیارد تومان $6/5 =$ درآمد سالانه حاصل از فروش محصولات
میلیون تومان $6,500 =$
چون میزان درآمد از هزینه‌ها بیشتر است، تولیدکننده از فعالیت خود سود
کرده است.

میلیون تومان $605 = 6,500 - 5,895 =$ هزینه‌های تولید - درآمد = سود
توجه: خرید منزل مسکونی صاحب باغ جزو هزینه‌های تولید نیست.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۱۵۳- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: این افراد نه تنها با فعالیت‌های غیرقانونی و غیرشرعی به
هموعانشان ظلم می‌کنند، بلکه برکت را نیز از زندگی خودشان دور
می‌کنند و اقتصاد خود و جامعه را در سراسیمی سقوط قرار می‌دهند.

گزینه «۲»: معمولاً به‌دنبال ارزان خریدن و گران فروختن‌اند و خرید و
فروش برخی از کالاها، در انحصار آن‌هاست.

گزینه «۳»: از آنجا که معمولاً دست این افراد در روستاها و محله‌های
کوچک زود رو می‌شود، ترجیح می‌دهند به شهرهای بزرگ کوچ کنند تا
آسان‌تر به فعالیت‌های خود پردازند.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه ۹)

۱۵۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

میزان سود برابر با تفاوت درآمد و هزینه‌های تولید است.

هزینه‌های تولید - درآمد = سود

هزینه‌های تولید + سود = درآمد \Rightarrow

طبق فرض مسئله:

میلیون تومان $24 =$ هزینه‌های تولید + سود + درآمد

میلیون تومان $12 =$ درآمد $\Rightarrow 24 =$ (درآمد) $2 \Rightarrow$

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۱۵۵- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

الف) اگر بخواهیم به صورت کلی تفاوت مفهومی شکل‌های مختلف کسب و
کار را درک کنیم، باید تنها به این سؤال پاسخ بدهیم که:

«مالک محصول یا کالای (نهایی) که به مشتری عرضه می‌شود، کیست؟ یک
نفر یا چند نفر هستند و چگونه درآمد یا سود باید تقسیم شود؟»

همین سؤال ساده و پاسخ آن، بیانگر مفهومی است به نام «سازمان تولید».

ب) بررسی قسمت «ب» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صحیح است.

گزینه «۲»: صحیح است.

گزینه «۳»: نادرست است؛ عبارت «گروهی از مدرسان تصمیم می‌گیرند تا
مؤسسه‌ای بدون اهداف تجاری، جهت کمک به اقشار ضعیف در سطح شهر
تأسیس کنند» مثالی برای مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه‌ها است.

گزینه «۴»: نادرست است؛ راه‌اندازی آسان و هزینه‌های نسبتاً اندک از
مزایای کسب و کار شخصی است.

ج) در ساختار سازمانی شرکت سهامی، بعد از سهام‌داران، هیئت مدیره قرار
دارد.

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۱۹)

۱۵۶- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: معایب ایجاد شرکت سهامی - معایب ایجاد شرکت سهامی

گزینه «۲»: مزایای کسب و کار شخصی - معایب ایجاد شرکت سهامی

گزینه «۳»: مزایای ایجاد شرکت سهامی - معایب کسب و کار شخصی

گزینه «۴»: مزایای کسب و کار شخصی - مزایای ایجاد شرکت سهامی

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۵ و ۱۸)

۱۵۷- گزینه «۱»

(آفرین ساپری)

دارایی هر شرکت سهامی به تعداد معینی سهم تقسیم می‌شود و شخص با
خرید سهام شرکت به سهام‌دار آن تبدیل می‌شود که به اندازه سهمش
مالکیت نسبی آن را دارد و در منافع و مسئولیت‌ها به همان اندازه (یعنی به
اندازه سهمش) سهیم است.

آقای احمدی ۳۰ درصد در سود شرکت سهم داشته، بنابراین مالک ۳۰
درصد از سهام شرکت است.

باید ببینیم که سهام شرکت چقدر است:

تعداد برگه‌های سهام خریداری شده
میزان مالکیت فرد از سهام شرکت = $\frac{\text{کل سهام شرکت}}{\text{کل سهام شرکت}}$

برگه سهم $400 = \frac{120 \times 100}{30} =$ کل سهام شرکت $\Rightarrow \frac{120}{100} =$ کل سهام شرکت

- اساسنامه شرکت باید بیان کند که شرکت برای چه کسب و کاری تشکیل شده است؛ سهام آن چه میزان است و چگونه تقسیم و فروخته می‌شود؛ چگونه شرکت سرمایه اولیه خود را تأمین می‌کند و چگونه سود و زیان تقسیم می‌شود؛ سهام‌داران چه حقوق و مسئولیت‌هایی در شرکت دارند؛ شرکت چگونه منحل می‌شود.

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۶۰- گزینه «۳»

(زهره مومری)

- فردی که مهارت تعمیر خودرو را کسب کرده و درصدد راه‌اندازی یک کسب و کار و کسب درآمد از این مسیر است: کسب و کار شخصی
- تعدادی از دوستان که می‌خواهند با استفاده از یک سرمایه اولیه اندک، ایده کسب و کاری خود را محقق کرده و سپس به جذب سرمایه از سایرین پرداخته و سود حاصل را به نسبت سرمایه آورده خود، تقسیم نمایند: ایجاد یک شرکت (سهامی)

- فردی که می‌خواهد با هدف کمک به افراد بی‌خانمان، ضمن جمع‌آوری مبالغ اعطایی توسط مردم، هر هفته به‌طور منظم به طبخ و توزیع غذا میان این افراد اقدام نماید: مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه‌ها
- چند فعال اقتصادی در صنف پوشاک که تصمیم دارند در کنار هم جمع شده و از مزایای همکاری در راستای تأمین مواد اولیه با قیمت کمتر و رقابتی‌تر بهره‌مند شوند: تعاونی

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۹)



قیمت هر برگه سهم \times تعداد کل سهام شرکت = کل سرمایه شرکت

قیمت هر برگه سهم $48,000,000 = 400 \times$

تومان $120,000 = \frac{48,000,000}{400}$ = قیمت هر برگه سهم

هر فرد به میزان مالکیتش، در سود و زیان شرکت سهم دارد؛ بنابراین آقای احمدی در ۳۰ درصد از سود شرکت، شریک است:

درصد مالکیت آقای احمدی \times کل سود شرکت = میزان سود آقای احمدی

تومان $1,500,000 = 5,000,000 \times \frac{30}{100}$ = میزان سود آقای احمدی

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه ۱۶)

۱۵۸- گزینه «۴»

(مهری ضیائی)

یکی از انواع شرکت‌ها، مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه‌ها هستند. یک مؤسسه غیرانتفاعی نهادی قانونی است که برای انجام مأموریتی غیرسودآور، یعنی با هدفی غیرتجاری شکل گرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در تعاونی تولید، تعدادی تولیدکننده جهت بهره‌مندی از مزایای فعالیت‌های اقتصادی با مقیاس بزرگ، گرد هم می‌آیند.

گزینه «۲»: تعاونی‌ها مراحل راه‌اندازی کم و بیش مشابهی با شرکت‌ها دارند؛ اما نحوه اداره آنها براساس هر نفر، یک رأی است؛ یعنی هر کدام از اعضا صرف‌نظر از اینکه چقدر از سرمایه تعاونی را تأمین کرده باشد، یک رأی خواهد داشت.

گزینه «۳»: توزیع سود احتمالی در تعاونی‌ها در پایان دوره به نسبت سرمایه هر عضو است.

(اقتصاد، انتقاب نوع کسب و کار، صفحه ۱۹)

۱۵۹- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

- شرکت کسب و کاری است که خودش هویت قانونی دارد؛ به این معنی که قانون با یک شرکت، مشابه با یک فرد و یا انسان رفتار می‌کند. شرکت‌ها حقوق و تعهدات خاصی دارند؛ دقیقاً همانند آنچه که انسانها انجام می‌دهند. برای مثال، یک شرکت می‌تواند دارایی داشته باشد، با دیگر شرکت‌ها یا افراد وارد قرارداد شود و حتی علیه آن‌ها شکایت کند و مورد شکایت قرار بگیرد.